

## سیره شناسی پیامبر اعظم (ص)

(تحلیل و بررسی بحث حدود)

مهدی محمدیان امیری\*

### چکیده:

آنچه مسلم است، پیامبر (ص) به عنوان منشاء و مروج اصلی اسلام در طول مدت رسالت جهانی خویش بر آن شد تا انسانها را به گونه ای راهنمایی کند، که در هر عصر و زمانی بتوانند از آن راهنمایی ها بهترین استفاده را برده و بتوانند زندگی سعادت‌مندی داشته باشند. ایشان در انتقال آیات الهی از فرشته ی وحی به مسلمانان، امین و با عصمت بودند و در مواردی که نیاز به رجوع به عقل فردی و جمعی داشتند، مانند همه ی انسانها به تفکر و مشورت می پرداختند؛ هر آنچه را بهترین نظر می اندیشیدند به عنوان سرلوحه ی کار خود و امتشان قرار داده و بدان عمل می نمودند. دستورالعمل‌های دقیق پیامبر (ص) در بحث حدود و بکارگیری آنها در رسیدگی به این گونه جرائم است که متأسفانه امروزه بعضی از آنها به بوته ی فراموشی سپرده شده اند.

### واژگان کلیدی:

پیامبر اعظم (ص)، قرآن، حدود، محرمات، زنا، لواط، مساحقه، سرقت، محاربه،

قذف، شرب خمر

\* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل

## (۱) بیان مسأله:

در حقوق تمامی کشورها، برای جرائم بزه کاران، مجازات در نظر گرفته شده است؛ زیرا آنها با زیر پا نهادن قوانین، باعث بی نظمی، ترس، وحشت، هرج و مرج و ایجاد مشکل برای مردم و دستگاه قضایی می شوند. بدین ترتیب قانونگذار برای جلوگیری از بزه کاری مجرمین و مجازات متخلفین، به اطلاع رسانی، مشخص کردن عنصر قانونی جرم و مجازات، به بیان انواع اعمال مجرمانه و مجازات آنها پرداخته است.

در شریعت اسلام نیز به این امر توجه شده، و در نصوص قرآنی، احادیث مأثوره و کتب فقهیه ابوابی تحت عناوین قضا، حدود، دیات و قصاص به چشم می خورد. آنچه در این پژوهش مد نظر است بررسی حدود از نگاه پیامبر اکرم (ص) می باشد.

لازم به یادآوری است، در قرآن، خداوند اعمال مجرمانه ی را که دارای مجازات حد را مشخص کرده و مجازات آنها را بیان فرمود؛ در کتب روایی شیعه و سنی توضیح این گونه آیات و بیان واضح و کامل دستور العملها و آیین نامه ها وجود دارد. فقها نیز کتب خود، بابی تحت عنوان حدود باز کرده و احکام مربوط به آن را نوشته اند. در حقوق موضوعه نیز مجموعه قوانینی تحت عنوان قانون جزا، و در ایران به عنوان قانون مجازات اسلامی به آنها اشاره شد.

مسأله ای که نگارنده را بر آن داشت تا به تدوین این گزارش پژوهشی بپردازد، سیره شناسی رسول اعظم (ص) در نحوه ی بیان احکام شرعی بود. زیرا حضرتش اهتمام ویژه ای برای بیان احکام داشتند و به فرمانداران و استانداران خود نیز سفارش می فرمودند تا در این امر مهم، از هیچ کوششی فروگذار ننمایند. چنانکه ایشان در هنگام فرستادن معاذ به یمن به او فرمودند:

[تو پیش مردمی می روی که دارای کتابند، آنان را دعوت کن که تا به یگانگی خدا و به پیغمبری محمد (ص) گواهی بدهند، اگر اینرا پذیرفتند به آنان بگو تا بدانند خداوند در شبانه روز پنج نماز بر آنان فرض کرده است، اگر اینرا پذیرفتند آنانرا آگاه ساز که باید ثروتمندان آنها صدقه بدهند تا به فقرای آنان داده شود؛ اگر اینرا پذیرفتند مبدا به دارایی آنان چشم بیندازی. از ستمدیدگان پشتیبانی کن چون میان ستمدیدگان و خداوند هیچ پرده و حجابی نیست.] (زیدان/ ۱۳۷۹ش، ج ۱، ۸۷)

اما پرسش در اینجا است که پیامبر (ص) در هر یک از عناوین احکام شرعی اصلی و فرعی از یک روش استفاده می کردند یا اینکه برای هر عنوانی روش خاصی اعمال می فرمودند؟ برای



پاسخ به این پرسش فرضیه‌هایی مطرح می‌باشد:

- ۱- ایشان تنها به تشریح و تفسیر مطلق دستورات الهی می‌پرداختند.
- ۲- ایشان در بیان احکام شرعی اصلی تنها یک راهنما بوده و در احکام شرعی فرعی به عنوان یک انتقال دهنده بودند.
- ۳- ایشان برای هر مقوله روش خاصی داشتند، که این رویه در بحث حدودنیز رعایت شده است.

۴- ایشان در دستوراتی که به طور قطع و جزم ابلاغ می‌شده تنها یک انتقال دهنده بودند و در مواردی که دستور خاصی وارد نمی‌شد خود از عقل استفاده کرده و به بیان احکام می‌پرداختند. در بحث حدود نیز موارد مختلفی ملاحظه می‌شود که پیامبر (ص) از خرد شخصی خود استفاده فرمودند.

۵- ایشان به عنوان پیامبر دستورات را بدون کم و کاست در موارد مورد احتیاج بیان می‌فرمودند و راه‌های بکارگیری آنها در موارد نو پیدا را نیز آموزش می‌دادند. از میان فرضیه‌های بیان شده مورد پنجم نزد نگارنده مورد قبول واقع شده و قصد دارد تا آن را با بیان احادیثی از آن حضرت (ص) به اثبات برساند.

### حد در لغت و اصطلاح:

حد در لغت عبارت است از:

- فاصله میان دو شیء، منع، انتهای هر چیزی، مطلق هر حکمی، عذاب، عدول از دستورات و مخالفت با آنها. (طریحی / ۱۴۰۸، ج ۱، ۴۷۱)

- حد در اصطلاح شرع عبارت است از: در نظر گرفتن مجازات غیر قابل کم و زیاد نمودن از طرف شارع برای مکلفی که مرتکب گناه شده است. (فرهنگ مصطلحات فقهی / موجود در کتابخانه دیجیتال المعجم ۳)

- مجازاتی خاص بر بدن مکلفی که به گناهی خاص مبادرت ورزیده و مقدار آن توسط شارع، برای تمامی مواردش تعیین شده است. (روحانی / ۱۴۱۲، ج ۲۵، ۳۷۲)

- مجازات فوری برای جنایتهای خاص. (فتح الله / ۱۴۱۵، ج ۱، ۱۴۶)

### (۲) بحث و تفسیر:

#### (۱-۲) حد در قرآن:

بر اساس نظر صاحب کنز العرفان، در قرآن پیرامون حدود به چهار دسته آیات اشاره شده است. در زیر به آنها اشاره خواهد شد.

### (۱) حد جرائم جنسی مردان و زنان:

(الف) وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَقَّعَنَّ الْمَوْتَ أَوْ يُجْعَلَ اللَّهُ لِهِنَّ سَبِيلًا. (نساء/۱۵) کسانی که از زنان شما مرتکب زنا شوند، چهار نفر از مسلمانان را به عنوان شاهد بر آنها طلب کنید، اگر گواهی دادند آنها را در خانه های خود نگاه دارید تا مرگشان فرا رسد، یا اینکه خداوند راهی بر آنها قرار دهد.

(ب) وَ الَّذِينَ يَأْتِيَانَهَا مِنْكُمْ فَأَذُوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا. (نساء/۱۶)

از میان شما آن مردان و زنانی که مرتکب زنا می شوند آنها را آزار دهید و اگر توبه کنند و درست کردار شوند از آنها درگذرید؛ زیرا خداوند، توبه پذیر و مهربان است.

(پ) الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. (نور/۲) زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید، و نباید مهربانی نسبت به آنها در شما از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خداوند روز جزا ایمان دارید و باید گروهی از مؤمنان مجازاتشان را مشاهده کنند.

(ت) يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزَنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَاعُونَ لِأَخْرِين لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا. (مائده/۴۱) ای پیامبر آنها که در مسیر کفر شتاب می کنند و با زبان می گویند: ایمان آوردیم و قلب آنها ایمان نیاورد، تو را اندوهگین نسازد؛ آنان به سخنان تو گوش می دهند، تا دستاویزی برای تکذیب تو بیابند آنها جاسوسان گروه دیگری هستند که خودشان نزد تو نیامده اند. آنها سخنان را از مفهوم اصلیش تحریف می کنند و می گویند: اگر این به شما داده شد بپذیرید و گرنه دوری کنید.

### (۲) حد قذف:

(الف) وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ. (نور/۴) کسانی که زنان پاکدامن را متهم می کنند، سپس چهار شاهد نمی آورند، آنها را هشتاد



تازیانه بزنید و شهادت آنها را هرگز نپذیرید، و آنها همان فاسقانند، مگر کسانی که پس از این توبه کردند و اصلاح شدند. همانا خداوند بخشنده و مهربان است.

(ب) إِنَّ الدِّينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ. (نور/۲۳) کسانی که زنان پاک دامن و بی خبر و مؤمن را متهم می سازند، در دنیا و آخرت از رحمت الهی به دورند و عذاب بزرگی برای آنهاست.

### ۳) حدّ سرقت:

السَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالاً مِنَ اللَّهِ. (مائده/۳۸)

دست مرددزدوزن دزدرا به کیفر عملی که انجام داده اند، به عنوان یک مجازات الهی، قطع کنید.

### ۴) حدّ محارب:

الْف) إِنَّمَا جِزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَاداً أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ. (مائده/۳۳)

کیفر آنها که با خدا و پیامبرش به جنگ بر می خیزند و اقدام به فساد در روی زمین می کنند، فقط این است که اعدام شوند یا به دار آویخته گردند، یا دست راست و پای چپ آنها به عکس یکدیگر بریده شود و یا از سرزمین خود تبعید گردند، این رسوایی آنها در دنیاست و در آخرت مجازات عظیمی دارند.

(ب) إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ. (مائده/۳۴)

مگر آنها که پیش از دست یافتن شما بر آنان توبه کنند پس بدانید خداوند آمرزنده و مهربان است.

### ۲-۲) احکام مأخوذه از آیات مربوط به حدود:

از آیات مربوط به حدود، احکامی چند به دست می آید که این احکام فرا راه فقهاء در صدور فتوی است.

۱- برای ثبوت زنا باید چهار مرد شهادت بدهند.

- ۲- زنان و مردان زناکار را باید صد تازیانه زد.
- ۳- اگر زنا کار محصن باشد، مرتکب را باید سنگسار نمود.
- ۴- لواط به شهادت چهار مرد ثابت می شود.
- ۵- لواط کار باید به حکم قاضی به قتل برسد.
- ۶- قبل از ثبوت لواط توبه قبول می شود.
- ۷- تنبیه لواط کاران غیر بالغ، بسته به نظر حاکم شرع است.
- ۸- برای جلوگیری از شیوع فساد های بزرگ در جامعه باید بر باده نوشان، و زناکاران حد جاری نمود.

- ۹- مشرعیّت قضاوت قضات مسلمان، برای جرائم و جنایات افراد غیر مسلمان.
- ۱۰- هر کس به زنان صالحه و عقیفه نسبت زنا دهد و چهار شاهد نیاورد، باید هشتاد تازیانه به او زده شود، همچنین نباید شهادت او را مادام العمر قبول کرد.
- ۱۱- افرادی که به ناروا دیگران را زناکار معرفی می کنند و بر این ادعا شاهد ندارند فاسقند.

- ۱۲- در حد قذف، تازیانه را باید بر روی لباس مجرم زد.
- ۱۳- توبه پیش از دستگیری موجب سقوط حد می شود.
- ۱۴- سرقت باید از حرز صورت گیرد تا مستوجب حد گردد.
- ۱۵- مال سرقت شده باید به مقدار نصاب یک چهارم دینار طلا برسد.
- ۱۶- مقدار قطع دست سارق از نظر امامیه چهار انگشت دست راست، از نظر عامه تا مفصل کف دست و از نظر خوارج از شانه می باشد.
- ۱۷- دزدی باید پنهانی انجام شده باشد.
- ۱۸- دزد باید شخصا مبادرت به دزدی کرده باشد.
- ۱۹- دزدی باید با بینه یا اقرار ثابت شده باشد، تا مستحق حد گردد.
- ۲۰- سارق حتی اگر توبه کرده و مورد بخشش قرار گرفته باشد، باید رد مال نماید.
- ۲۱- منظور از محاربه با خدا و رسول (ص)، محاربه با مسلمانان است و این نام گذاری به خاطر عظمت و بزرگی جنایت است.



### ۳-۲) روایات پیامبر اکرم (ص) در باب حدود:

#### ۱- ۳-۲) اجتناب از محرمات:

چنانکه پیش از این گفته شد، حد، مجازات شرعی است که شارع مقدس برای اعمال ناشایست انسان در نظر گرفته است. در متون دینی ما از اینکه انسان دچار اعمال ناشایست گردد نکوهشهای فراوانی صورت گرفته و از پرداختن به افعالی که منجر به خطیئه می گردد نیز باز داشته شده است. حتی در موارد فراوانی از فکر نمودن در باره ی خطایا نیز جلوگیری شده است. پیامبر (ص) برای آنکه امت خود را از خطر آلوده شدن به گناهان آگاه سازد به ارشاد و راهنمایی آنها پرداخته و در گفتار خود آنها را از پرداختن به گناهان باز داشته است. در این زمینه روایات فراوانی از پیامبر اکرم (ص) وجود دارد که در زیر به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف) اتقوا الحجر الحرام فی البنیان فانه اساس الخراب.

از بکار بردن سنگ حرام در ساختمان خودداری کنید زیرا که آن سنگ حرام مایه ی ویرانی آن خانه می شود.

ب) اتق المحارم تکن اعبد الناس و ارض لما قسم الله لک تکن اغنی الناس.

از حرامها بپرهیز تا خداپرست ترین انسانها باشی و نسبت به آنچه خداوند نصیب تو قرار داده راضی باش تا بی نیاز ترین مردم باشی.

پ) ان لكل ملك حمى و ان حمى الله فى الارض محارمه.

برای هر پادشاهی حریمی وجود دارد و حریم خداوند در زمین دستور العملهای اوست.

ت) اربع من کن حرمه الله تعالى على النار و عصمه من الشيطان: من ملك نفسه حين

یرغب، و حين یرهب، و حين یشتهى، و حين یغضب.

چهار کسند که خداوند آنها را بر آتش جهنم حرام گردانید و نسبت به کید شیطان نگاه

داشت: کسی که خود را در هنگامیکه تمایل دارد و می ترسد و اشتاهی دارد و خشمناک است

کنترل نماید. (نهج الفصاحه، ۱۳۸۴ ش، روایات: ۳۸، ۴۲، ۶۵، ۱۰۴، ۲۵۸)

#### ۲- ۳-۲) اجراء حدود الهی:

پیامبر اکرم (ص) در دوران حیاتشان به عنوان قاضی و دادرس در میان امت خود به حل و

فصل اختلافات میان مسلمین و سایر ساکنان جامعه ی اسلامی می پرداختند و به اقامه ی حدود

الهی همت می گماشتند؛ ایشان پس از آنکه نسبت به عملی علم و آگاهی پیدا می نمودند، به انشاء حکم پرداخته و دادرسی را به انجام می رسانند. حال اگر در موضوعی باید به اجراء مجازات و اعمال بازدارنده می پرداختند بدان اقدام می نمودند. در زیر نمونه هایی از عملکرد ایشان در این زمینه ها را متذکر می شویم تا با سیره و روش ایشان در باب حدود آشنا شویم.

الف) اقیموا حدود الله تعالی فی البعید و القریب و لاتأخذکم فی الله لومة لائم.  
حدود خدای بلند مرتبه را در باره دور و نزدیک برپا دارد. در راه خدا به نکوهش هر نکوهشگری بها ندهید.

ب) حد یعمل فی الارض خیر لاهل الارض من ان یمطروا اربعین صباحا.  
حدی که در زمین به اجراء درآید برای ساکنان زمین بهتراست از بارش باران طی چهل روز.  
پ) تعافوا الحدود فیما بینکم فما بلغنی من حد فقد وجب.  
از آن مجازاتهای شرعی که نزد شما هست یکدیگر را ببخشید؛ پس آنچه باعث اجراء حد می شود به من برسد اجراء آن واجب می شود.

ت) ادروا الحدود عن المسلمین ما استطعتم فان الامام لان یخطی فی العفو خیر من ان یخطی فی العقوبه.

تا آنجا که می توانید کیفرهای شرعی را از مسلمانان به کناری نهید، همانا اگر پیشوایی در بخشش اشتباه نماید بهتر است از آنکه در کیفر دادن به خطاء افتد. (نهج الفصاحه، ۱۳۸۴ ش، حدیث ۳۳۶ و ۱۱۵۴ و ۱۳۵۴)

ث) عن ابی عبدالله (ع) قال: جرت فی صفوان به امیه الجمعی ثلاث من السنن الی ان قال (ع): و کان راقدا فی مسجد رسول الله (ص) و تحت راسه رداؤه، فخرج یبول فرجع و قد سرق رداؤه فقال: من ذهب بردائی؟ فخرج فی طلبه فوجده فی ید رجل، فرفعه الی النبی (ص) فقال (ص): اقطعوا یده! فقال: أ یقطع من اجل ردائی یا رسول الله؟ انا اهبه له. فقال (ص): الا کان هذا ان تاتینی به، فقطعت یده.

از امام صادق (ع) (روایت شده است که) فرمود: سه مورد از دستور عملهای (اسلامی) در باره ی صفوان بن امیه جمعی جاری شد، تا آنجا که فرمود: در حالیکه ردایش زیر شرس بود، در مسجد پیامبر (ص) چرت می زد؛ پس برای دست شویی رفتن از مسجد بیرون رفت، در آن حال ردایش به سرقت برده شد، گفت: چه کسی ردای مرا برد؟ لذا برای یافتن آن بیرون رفت. آن را در



دست مردی یافت، آن مرد را نزد پیامبر (ص) برد. حضرت رسول اعظم (ص) فرمودند: دست او را ببرید. صفوان به پیامبر (ص) عرض کرد: یا رسول الله (ص) آیا به خاطر ردای من دست او را قطع می فرمایید؟ من آن ردا را به او بخشیدم. پیامبر (ص) فرمودند: برای اینکه او را نزد من آوردی. پس دست آن مرد را قطع فرمودند. (شیخ صلیح، ۱۴۰۳، ج ۱، ۱۹۳)

در توضیح بخش پایانی و حکم این روایت باید گفت: تا زمانی که جرم به واسطه ی شهود یا اقرار اثبات نشده باشد، راه برای توبه و بخشش و صلح باز است، اما وقتی نزد قاضی جرم به اثبات رسید باید درباره ی آن انشاء حکم نماید.

امام خمینی در این زمینه می نویسد: اگر مجرم و گناهکار پیش از تمام شدن شهادت شهود توبه کند حد از او ساقط می شود چه اینکه حدش سنگسار باشد و چه تازیانه، ولی اگر بعد از تمامیت بینة توبه کند ساقط نمی شود، حتی در این هنگام امام (ع) هم نمی تواند او را عفو کند، اگر چه امام (ع) بعد از اقرار مجرم می تواند او را عفو کند. اگر مرتکب جرم قبل از اقرار توبه کند حد از او ساقط می شود. (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ۴۶۲)

### ۳-۳-۲) حد زنا:

فقها در کتب فقهیه درباره ی حد فرد مرتکب به زنا را بیان نمودند:

- اگر زناکار باکره باشد، و برای نخستین بار مرتکب شود او را تازیانه می زنند، اگر بار دیگر تکرار کرد تازیانه می خورد و اگر برای بار سوم نیز مرتکب شود او را تازیانه می زنند، در مرحله ی چهارم او را بقتل می رسانند. دلیل ما اجماع فرقه شیعه می باشد. (علم الهدی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۵۰)

- اگر هر دو زناکار یا یکی از آن دو دارای همسر دائمی باشند به گونه ای که هر گاه بخواهد با همسر خود نزدیکی کند مانعی در کار نباشد و با این حال تن به زنا داده باشد، زنایی که انجام گرفته نسبت به کسی که دارای همسر است "زنا ی محصن یا محصنه" نام دارد. و حد آن در مورد مردی که بالغ و عاقل و آزاد است و زن دائمی دارد و با زنی که بالغ و عاقل است نزدیکی کرده، اگر پیر مرد است ابتدا یکصد ضربه شلاق و سپس سنگسار است، و اگر جوان است فقط او را سنگسار می کنند.

- اگر با یکی از زنهایی که با او محرم نسبی هستند مانند: مادر، خواهر، دختر، دختر خواهر، دختر برادر، عمه و یا خاله زنا کند به آن "زنا ی با محارم" گفته می شود، و کیفر آن بنابر نظر

بعضی از فقها اعدام است، ولی مفاد بعضی از روایات این است که با شمشیر یک ضربه به گردن او زده می شود. (منتظری، ۱۳۷۷ ش، ص ۵۷۳)

الف) عن النبی (ص) خذوا عنی قد جعل الله لهن سبیلا البکر بالبکر جلد مائه و تغریب عامه، الثیب بالثیب جلد مائه و الرجم.

از پیامبر (ص) نقل شده است: از من بگیرید که خداوند برای زنان راهی را قرار داده است، اگر مرد بدون زوجه با زن باکره زنا کنند صد ضربه تازیانه خورده و برای یک سال تبعید می شود، و مرد دارای زوجه با زن دارای زوج زنا کند، ابتدا صد ضربه تازیانه خورده و سپس سنگسار می گردد. (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۸، ۶۳)

ب) قال: كنت جالسا عند النبی (ص) فجاءته امرأة من غامد، فقالت: یا نبی الله انی قد زینت، و ارید أن تطهرنی، فقال لها النبی (ص): ارجعی، فلما كان من الغد أتته أيضا فاعترفت عنده بالزنا، فقالت: یا رسول الله انی قد زینت و ارید أن تطهرنی، فقال لها: فارجعی، فلما أن كان من الغد أتته فاعترفت عنده بالزنا، فقالت: یا نبی الله طهرنی فلعلک تردنی كما رددت ما عز بن مالک، فوالله انی لحبلی، فقال لها النبی صلی الله علیه و اله: ارجعی حتی تلدین، فلما ولدت جاءت بالصبی تحمله قالت: یا نبی الله هذا قد ولدت. قال: فاذهبی فارضعی حتی تقطمیه، فلما فطمته جاءت بالصبی فی یده کسرة خبز قالت: یا نبی الله هذا فطمته فأمر النبی (ص) بالصبی فدفع إلى رجل من المسلمین، وأمر بها فحفر لها حفرة فجعلت فیها إلى صدرها ثم أمر الناس أن یرجموها، فأقبل خالد بن الولید بحجر فرمی رأسها فنضح الدم علی وجنة خالد فسیبها فسمع النبی (ص) سبه إياها، فقال: مهلا یا خالد لا تسبها، فوالله نفسی بیده لقد تابت توبة لو تابها صاحب مکس لغفر له، فأمر بها فصلى علیها فدفنت.

صحابه ای گفت: نزد رسول خدا (ص) نشسته بودم که زنی از قبیله ی غامد نزد ایشان آمد و عرض کرد: پیامبر خدا (ص) زنا کردم، پس مرا پاک گردان! پیامبر (ص) به او فرمود برگرد. او رفت و فردا برگشت و با دیگر نزد ایشان اعتراف به زنا نمود، عرض کرد: پیامبر خدا (ص) شاید شما می خواهید همان رویه را که درباره ی ماعز بن مالک اجزاء فرمودید درباره ی من اجزاء بفرمایید، به خدا قسم من باردار هستم. پیامبر (ص) فرمود: برگرد تا او به دنیا آید. پس وقتی که کودک به دنیا آمد به همراه او نزد پیامبر (ص) آمد و عرض کرد: یا رسول الله (ص) به دنیا آمد. حضرت به او فرمود: برگرد و او را شیر بده تا زمانی که از شیر گرفته شود. پس وقتی کودک از

شیر گرفته شد نزد پیامبر (ص) در حالیکه تکه ای از نان در دست کودک بود نزد پیامبر (ص) آمد و عرض کرد: یا رسول الله (ص) کودک از شیر گرفته شد، در این هنگام پیامبر (ص) درباره ی کودک تصمیم گرفت و کودک را به یکی از مسلمانان سپرد، سپس درباره ی زن دستور داد تا گودالی حفر نمایند آنگاه زن را تا سینه داخل آن قرار دادند، ایشان به مسلمین فرمان داد تا او را سنگسار نمایند. در آن هنگام خالد بن ولید پیش آمد و با سنگی به سر آن زن زد به گونه ای که خون آن زن به خالد پاشیده شد و او آن زن را دشنام داد. پیامبر (ص) شنید که خالد به آن زن دشنام داد، لذا فرمود: خالد چه می کنی؟ دست نگاه دار! قسم به آن خدایی که جانم در دست او است، این زن توبه کرد آن توبه ای که اگر صاحب گناهان فراوان نیز می نمود گناهان او بخشیده می شد. پس پیامبر (ص) دستور فرمودن بر او نماز بگذارند پس او را دفن نمودند. (مجلسی / ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ۳۶۶)

#### ۴ - ۳ - ۲) حد شرب خمر:

در کتب فقهیه درباره ی حد شرب خمر نوشته اند:

کسی که مسکر و یا فقاع بنوشد هر چند که فقاع مسکر نباشد اگر بالغ و عاقل و مختار و عالم به حرمت آن باشد و بداند آنچه می نوشد مسکر است (و یا فقاع است) حد بر او واجب می شود، بنابراین کودک و دیوانه و کسی که به تهدید دیگران مسکر و یا فقاع بنوشد و نیز کسی که جاهل به حرمت آن باشد و یا موضوع را نمی داند و معتقد است آنچه می نوشد مثلاً سرکه است، و یا هم جاهل به موضوع است و هم جاهل به حکم، به حد مجازات نمی شود، البته دعوی جهل از کسی پذیرفته می شود که جهل در حق او ممکن باشد. (امام خمینی / ۱۳۹۰ق، ج ۲، ۴۷۷)

- اگر مسلمان بالغ و عاقل به اختیار خود و با توجه، یکی از انواع مشروبات الکلی مست کننده را بیاشامد، هر چند کم باشد و به حد مستی نرسد، کیفر او هشتاد تازیانه است که به دستور حاکم شرع بر او اجرا می شود، و کیفیت اجرای آن به مانند حد زنا است.

- مشروب خوردن به دو راه ثابت می شود:

اول) شهادت دو مرد عادل.

دوم) دو مرتبه اقرار، و کافی بودن یک مرتبه محل اشکال است. (منتظری / ۱۳۷۷ش، ۵۷۸)

پیامبر اکرم (ص) در باره شرب خمر و مضرات و حد آن فرموده است:

الف) اجتنبوا الخمر فانها مفتاح كل شر.

از شراب دوری نمایید، زیرا که آن کلید همه ی بدی ها است. (نهج الفصاحه / ۱۳۸۴ش، ۳۷)

ب) ثمن الخمر حرام، و مهر البغی حرام، و ثمن الكلب حرام، و الكوبه حرام، و ان اتاك صاحب الكلب يلتمس ثمنه فاملاء يديه ترايا و الخمر و الميسر حرام، و كل مسكر حرام.

بهای شراب حرام است؛ مهریه ی زن خطا کار حرام است؛ بهای سگ و شطرنج حرام است؛ اگر صاحب سگ نزدتان آمد و بهای آن را طلب کرد دستش را از خاک پر کنید. شراب و قمار حرام است؛ همه ی مست کننده ها حرام هستند. (نهج الفصاحه / ۱۳۸۴ش، ۲۵۲)

پ) عن أبي عبد الله عليه السلام قال : قال رسول الله (ص): شارب الخمر لا يعاد إذا مرض ولا يشهد له جنازة ولا تزكوه إذا شهد ولا تزوجه إذا خطب ولا تأمنوه على أمانة .

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: رسول خدا (ص) فرمود: درباره ی شرابخوار اگر مریض شد به ملاقات او نروید و اگر مُرد برای تشییع جنازه ی او نروید و اگر شهادت داد او را راست گو نشمارید، اگر پیشنهاد ازدواج داد با او ازدواج نکنید، و نزد او چیزی امانت نگذارید. (کلینی / ۱۳۸۸ق، ج ۶، ۳۹۶)

ث) زيد بن علي ، عن آبائه عليهم السلام قال : لعن رسول الله (ص) الخمر و عاصرها و معتصرها و بايعها و مشتريها و ساقيتها و أكل ثمنها و شاربها و حاملها و المحمولة إيه .

زيد بن علی (ع) از پدران بزرگوارش روایت کرد: رسول خدا (ص) شراب، درست کننده ی شراب و کمک او و فروشنده ی آن و خریدار آن و دهنده ی آن و مصرف کننده ی پول آن و خورنده ی آن و حمل کننده ی آن و وسیله ای که آن را حمل می کند را لعنت فرموده است. (کلینی / ۱۳۸۸ق، ج ۶، ۳۹۸)

### ۵ - ۳ - ۲) حد لواط:

فقها در کتب فقهیه درباره ی لواط نوشته اند:

وهو وطى الذكر من الآدمى فإن كان بإيقاب و حده غيبوبة الحشفة فى الدبر.

لواط عبارت است از: دخول حشفه ی آلت انسان در پشت انسان دیگر. (فخر المحققین /

۱۳۸۹ق، ج ۴، ۴۹۱)



اگر مرد مکلف عاقل با مکلف عاقل دیگر لواط کند و هر دو راضی باشند و محصن باشند، باید هر دو را بکشند، و حاکم شرع می تواند لواط کننده را با شمشیر بکشد یا زنده به آتش بسوزاند، یا دست و پای او را ببندد و از جای بلندی به زیر اندازد، یا آنکه سنگسارش کند. و غیر محصن را تازیانه می زنند. (ابطحی / ۱۳۷۷ ش، ۵۰۶)

الف) عن أبي عبد الله (ع) - في حديث - إن أمير المؤمنين (ع) قال لرجل أقر عنده باللواط أربعاً: يا هذا إن رسول الله (ص) حكم في مثلك بثلاثة أحكام فاختر أيهن شئت، قال: و ما هن يا أمير المؤمنين؟ قال: ضربه بالسيف في عنقك بالغه منك ما بلغت، أو إهداب من جبل مشدود اليدين والرجلين، أو إحراق بالنار.

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمودند: در روایتی حضرت علی (ع) به مردی که نزد ایشان اقرار به لواط کرده بود فرمود: فلانی، پیامبر (ص) درباره ی افرادی مانند تو به سه گونه حکم فرموده است؛ پس هر کدام را که می خواهی انتخاب کن! آن شخص عرض کرد: یا امیر المؤمنین (ع) آن موارد چیست؟ فرمود: زدن گردن با شمشیر، پرت شدن از بالای کوه به گونه ای که دست و پا بسته باشد و سوختن در آتش. (عاملی / ۱۴۱۴ ق، ج ۲۸، ۱۵۷)

ب) عن ابن عباس: ان رسول الله (ص)، قال: من وجدتموه يعمل عمل قوم لوط، فاقتلوا الفاعل والمفعول.

از ابن عباس روایت شده است که رسول خدا (ص) فرمود: هر که را یافتید که عمل قوم لوط را انجام می دهد خواه فاعل باشد یا مفعول، او را بکشید. (نوری / ۱۴۰۸ ق، ج ۱۸، ۸۱)

پ) عن أبي عبد الله (ع) قال: قال رسول الله (ص): لما عمل قوم لوط ما عملوا بكت الارض إلى ربها حتى بلغت دموعها السماء وبكت السماء حتى بلغت دموعها العرش، فأوحى الله عزوجل إلى السماء: أن احصبيهم و أوحى إلى الارض أن اخسفي بهم.

امام صادق (ع) فرمود: پیامبر اسلام (ص) فرمودند: همینکه عده ای عمل قوم لوط را انجام می دهند، زمین به سوی پروردگارش گریه می کند تا اینکه اشکش تا به آسمان می رسد، و آسمان گریه می کند تا اینکه اشکش تا به ارش می رسد، پس خداوند به آسمان دستور می دهد که آنها را دچار حصبه کن و به زمین دستور می دهد آنها را خوار کن. (مجلسی / ۱۴۰۳ ق، ج ۱۲، ۱۶۷)

### ۶ - ۳ - ۲) حد مساحقه:

مساحقه که عملی نظیر لواط است و بین دوزن اتفاق می افتد، بهمان راههائی ثابت می شود

که لواط با آن راهها ثابت می گردد، و حد آن به شرطی که مرتکبش بالغ و عاقل و مختار باشد، صد تازیانه است چه شوهر داشته باشد و چه نداشته باشد.

اگر کسی چند بار مساحقه کند و هر بار تازیانه آن را بخورد در نوبت چهارم حدش کشته شدن است، و اگر قبل از شهادت شهود توبه کند حد از او ساقط می شود و اما بعد از آن ساقط نمی شود. و اگر ارتکاب آن به طریق اقرار مرتکب ثابت شده باشد در صورتیکه مرتکب توبه کند حاکم چه امام (ع) باشد و چه نایب او مخیر است بین عفو و اجراء حد مثل لواط. (امام خمینی/ ۱۳۹۰ق، ج ۲، ۴۸۱)

اگر دو زن بالغ و عاقل و آزاد در حال اختیار با یکدیگر مساحقه کنند - یعنی عمل جنسی انجام دهند - کیفر هر یک از آنان یکصد تازیانه است، خواه همسر داشته باشند یا نه. هر چند نسبت به زن محصنه جواز سنگسار نمودن خالی از وجه نیست، ولی احوط ترک است. (منتظری/ ۱۳۷۷ش، ۵۷۶)

قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران درباره ی حد مساحقه چنین اشعار می دارد:  
 ماده ۱۲۷ - مساحقه، همجنس بازی زنان است با اندام تناسلی.  
 ماده ۱۲۸ - راههای ثبوت مساحقه در دادگاه همان راههای ثبوت لواط است.  
 ماده ۱۲۹ - حد مساحقه برای هر یک از طرفین صد تازیانه است.

نظریه ۷/۴۸۸۸ - ۱۳۸۱/۷/۲۷ ا. ح. ق: با استفاده از ملاک مواد ۹۲، ۹۳، ۹۴ و ۹۶ قسمت اخیر ماده ۱۰۰ق. م. ا. حد مساحقه ( صد تازیانه شرعی ) در غیر هوای بسیار سرد یا بسیار گرم و در حالی که محکوم علیها نشسته و لباسهای مشارالیها بر بدنش بسته باشد اجرا می گردد. (قانون مجازات اسلامی/ موجود در سایت [www.iranbar.com](http://www.iranbar.com))

رسول اکرم (ص) پیرامون حد مساحقه به موارد زیر اشاره فرمودند:  
 (الف) الحسن الطبرسی فی ( مکارم الأخلاق ) عن النبی (ص) قال: السحق فی النساء بمنزلة اللواط فی الرجال ، فمن فعل من ذلك شیئا فاقتلوهما ، ثم اقتلوهما .  
 طبرسی در مکارم الاخلاق از پیامبر (ص) نقل کرده است: مساحقه در زنان به مانند لواط در مردان است پس همان گونه که در لواط دو مرد لواط کار را می کشتید، در مساحقه نیز چنین کنید.  
 (عاملی/ ۱۳۷۲ش، ج ۲۸، ۱۶۶)

(ب) قال : سحاق النساء بینهن زناء.

### ۷-۳-۲) حد قذف:

اهانت، پشت سر دیگران سخن چینی کردن، باعث آبرو ریزی کسی شدن و نسبت ناروا دادن به دیگران از گناهان کبیره بوده و خداوند آن کار را نکوهش کرده و برای آن حد در نظر گرفته است. چه بسیار دیده شده است که این عمل باعث درگیرهای متعدد و زد و خورد های بسیار شده است و افراد زیادی دچار صدمه و ناراحتی شده اند. حتی در مواردی این اهانت ها باعث قتل و خونریزی و پاشیده شدن زندگی افراد فراوانی شده است.

فقهاء در تعریف و حد قذف فرمودند:

در مسأله قذف آنچه موجب حد است نسبت زنا و یا لواط دادن است، اما اگر به کسی نسبت مساحقه و سایر کارهای زشت داده شود موجب حد قذف نمی شود. بلکه امام (ع) می تواند کسی که به مردم نسبت های زشت می دهد را تعزیر کند. (امام خمینی/ ۱۳۹۰ق، ج ۲، ۴۷۶ و ۴۷۵)

در مختلف الشیعه آمده است: شیخ طوسی (ره) در النهایه فرمود: اگر کسی به کسی دیگر بگوید: ای پسر زن زناکار یا پسر مرد زناکار، یا مادرت به خاطر تو زنا داده است یا از راه زنا متولد شده ای بر او حد واجب می باشد. مطالبه ی حد قذف به خاطر مادر فرد قذف شده است. اگر آن زن ببخشد بخشش آن قاذف جایز می باشد. (علامه حلی/ ۱۴۱۲ق، ج ۹، ۲۵۱)

اگر کسی که عاقل و بالغ است از روی اختیار و عمد به مرد یا زن مسلمانی که عاقل، بالغ، آزاد و عقیف است نسبت زنا یا لواط بدهد، حاکم شرع او را از روی لباس هشتاد تازیانه می زند. ولی اگر نسبت ناسزای دیگری بدهد و یا به او اهانت و اذیت نماید، حاکم شرع با تقاضای طرف به هر اندازه که صلاح بداند او را تعزیر می کند.

اگر دو نفر به یکدیگر نسبت زنا یا لواط دهند حد قذف بر آنان جاری نمی شود، ولی هر دو تعزیر می شوند.

قذف به دو چیز ثابت می شود:

۱- اقرار شخص نسبت دهنده، و بنا بر احتیاط اقرار دو بار انجام شود.

۲- شهادت دو مرد عادل، و در این مورد شهادت زنها مورد قبول نمی باشد. (منتظری/

الف) عن أبي ذر، عن النبي (ص) في وصيته له، قال: يا أبا ذر لا يدخل الجنة القتات، قلت: يا رسول الله ما القتات؟ قال: المنام، يا أبا ذر، صاحب النميمة لا يستريح من عذاب الله في الآخرة يا أبا ذر من كان ذا وجهين ولسانين في الدنيا فهو ذو وجهين في النار، يا أباذر المجالس بالأمانة وإفشاؤك سر أخيك خيانة (فاجتنب ذلك واجتنب مجلس العثرة).

پیامبر اکرم (ص) در وصیت خود به ابوز فرمود: ای ابوذر قتات به بهشت نمی روند. ابوذر پرسید: ای پیامبر خدا (ص) قتات چه کسانی هستند؟ پیامبر (ص) فرمود: سخن چین، ای ابوذر، سخن چین نمی تواند از عذاب خدا در روز قیامت استراحت کند، ای ابوذر کسی که در دنیا دو رو و دو زبان باشد، در آتش جهنم نیز با دو چهره می سوزد. ای ابوذر در نشست ها امانتدار باش، زیرا افشای اسرار برادر دینی ات خیانت می باشد. (عاملی / ۱۳۷۲ ش، ج ۲۱، ۳۰۷)

ث) جاءت امرأة إلى رسول الله (ص) فقالت: يا رسول الله إني قلت لأمتي: يا زانية، فقال: هل رأيت عليها زنا؟ فقالت: لا، فقال: أما إنها ستقاد منك يوم القيامة، فرجعت إلى أمتها فأعطتها سوطا، ثم قالت: اجلديني، فأبى الأمة، فأعتقتها، ثم أتت إلى النبي (ص) فأخبرته.

زنی نزد پیامبر (ص) خدا آمد و عرض کرد: ای پیامبر خدا (ص) من به کنیزم گفتم زنا کار! پیامبر (ص) فرمود: آیا دیدی که او زنا کرد؟ عرض کرد: نه. حضرت فرمود: آگاه باش که او در روز قیامت از خداوند نسبت به تو طلب حد قذف خواهد کرد. آن زن نزد کنیزش بازگشت و به دست او تازیانه ای داد و گفت: مرا شلاق بزن! کنیز از این کار خودداری کرد. آن زن آن کنیز را آزاد کرد. سپس نزد پیامبر (ص) باز گشت و این خبر را به ایشان داد. (عاملی / ۱۳۷۲ ش، ج ۲۸، ۱۷۴)

ج) عن النبي (ص)، قال: و من رمى محصنا أو محصنة أخطأ الله عمله، و جلدته يوم القيامة سبعون ألف ملك من بين يديه ومن خلفه، ثم يؤمر به إلى النار.

از پیامبر (ص) روایت شده که ایشان فرمود: کسی که زن و مرد پاک دامنی را قذف نماید، خداوند اعمال او را از بین می برد، و روز قیامت هفتاد هزار ملک از پشت سر و روبرو او را شلاق می زنند سپس به او گفته می شود به آتش جهنم وارد شو. (عاملی / ۱۳۷۲ ش، ج ۲۸، ۱۷۵)

چ) عن ابي عبد الله (ع)، قال: ان رجلا من الانصار أتى النبي (ص)، فقال: ان امرأتی قذفت جاریتی، فقال: مرها تصبر نفسها لها، و إلا افتدت منها، قال: فحدث الرجل امرأته بقول رسول الله (ص)، فأعطت خادمها السوط و جلست لها، فعفت عنها الوليدة، فاعتقها، و أتى الرجل رسول الله (ص) فخبره، فقال: لعله يكفر عنها.





از امام صادق (ع) روایت شده است که ایشان فرمود: مردی از انصار نزد پیامبر (ص) آمد و عرض کرد: همسرم کنیزم را قذف نمود. پیامبر (ص) به ایشان فرمود: به بگو تا خود را برای حد خوردن آماده کند و اگر نه از او حلالیت بگیرد. راوی گفت: آن مرد همسرش را از فرمایشات پیامبر (ص) آگاه ساخت، زن به کنیز خود تازیانه ای داد و نشست تا او حد را جاری سازد، کنیز از این کار خودداری کرد، لذا آن کنیز را آزاد ساختند. مرد نزد پیامبر (ص) آمد و ماجرا را برای ایشان نقل نمود. پیامبر (ص) این کار کفارہ ی آن قذف بود. (نوری/۱۴۰۸ق، ج ۱۸، ۹۰)

(ح) روی حذیفه، عن النبی (ص)، أنه قال: قذف محصنة يحبط عبادة مائة سنة. و روی عنه (ص)، أنه قال: من اجتنب ترك الصلوات الخمس، واجتنب الكبائر السبع، نودي يوم القيامة: يدخل الجنة من أي باب شاء؛ فقال رجل للراوی: الكبائر السبع سمعتهن من رسول الله (ص)، قال: نعم، الشرك بالله إلى أن قال و قذف المحصنات.

حذیفه از پیامبر (ص) نقل کرد که ایشان فرمود: قذف زن پاکدامن عبادت صد سال را از بین می برد. از پیامبر (ص) روایت شده است: کسی که نمازهای پنجگانه را ترک نکند و از گناهان هفتگانه خودداری کند در روز قیامت به او گفته می شود: از هر دری از درهای بهشت که می خواهی وارد بهشت شو. مردی به راوی گفت: گناهان کبیره ی هفتگانه را از پیامبر (ص) شنیدی؟ راوی گفت: بله، شریک قرار دادن برای خداوند، تا آنجا که فرمود: قذف زنان پاکدامن. (نوری/۱۴۰۸ق، ج ۱۸، ۹۰)

(خ) قال رسول الله (ص)، فإذا قذف الرجل فاكذب نفسه جلد الحد. پیامبر خدا فرمود: هرگاه مردی کسی را قذف کند و سپس خود را تکذیب کند، حد می خورد. (نوری/۱۴۰۸ق، ج ۸۱، ۱۰۰)

### ۸ - ۳ - ۲ حد سرقت:

فقها درباره ی حد سرقت نوشته اند:

- اگر کسی با شرایطی که گفته می شود دزدی کند، پس از ثابت شدن نزد حاکم شرع علاوه بر رد مالی که دزدیده در مرتبه نخست چهار انگشت دست راست او را از بیخ می برند و کف دست و انگشت شست او را باقی می گذارند، و در مرتبه دوم پای چپ را از وسط قدم می برند و پاشنه پا را باقی می گذارند، و در مرتبه سوم به حبس ابد محکوم می شود و مخارجش را

اگر ندارد از بیت المال می پردازند، و اگر برای بار چهارم در زندان سرقت کند به اعدام محکوم می گردد. و اگر چندین مرتبه دزدی کرده و حد جاری نشده است فقط یک مرتبه حد جاری می شود.

- شرایط اجرای حد سرقت ده چیز است :

۱ و ۲ و ۳ - این که سارق بالغ و عاقل باشد و به اختیار خود دزدی کند .

۴ - مال دزدی حد اقل معادل یک چهارم دینار [یعنی چهار نخود و نیم طلای سکه دار برابر " ۸۶۴ . ۰۰ گرم طلا] باشد.

۵ - بداند مالی که بر می دارد مال مردم است، پس اگر اشتباه نماید و خیال کند مال خود او است حد جاری نمی شود، هر چند ضامن است.

۶ - خود او در مالی که دزدیده شریک نباشد، پس اگر کسی از مال مشترک نظیر بیت المال یا غنائم جنگی به اندازه سهم خود یا کمتر سرقت نماید، هر چند گناه کرده ولی حد بر او جاری نمی شود، اما اگر بیش از سهم خود سرقت نماید و مقدار زاید به حد نصاب برسد حد بر او جاری می شود.

۷ - مال در جایی محفوظ و در بسته باشد و او حفاظت آنجا را از بین ببرد، مثل این که قفل را باز کند یا بشکند یا دیوار را خراب یا سوراخ کند و یا از دیوار بالا رود. پس اگر دیگری در را باز کند و او مال را ببرد، و یا در اماکن عمومی مالی را ببرد حد جاری نمی شود، هر چند او را تعزیر می کنند.

۸ - به طور مخفیانه مال دیگری را ببرد، پس اگر ظالمی به زور و به طور علنی در را باز کند و مال را ببرد، یا به زور مال را از صاحبش بگیرد یا از دست او برباید، و یا در مال امانت تصرف کند و پس ندهد دست او را نمی برند، هر چند ضامن است و تعزیر هم می شود.

۹ - اضطراب و ناچاری او را به دزدی وادار نکرده باشد، پس اگر کسی به عنوان مثال در زمان قحطی و کمبود، مواد غذایی مورد نیاز را بدزدد دست او را نمی برند.

۱۰ - سارق پدر صاحب مال نباشد. پس دست پدر را برای سرقت مال فرزند نمی برند، ولی دست فرزند را برای سرقت مال پدر - در صورتی که در جایی مخفی کرده باشد - می برند. اما سرقت انسان از اماکنی که متعلق به پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی، خاله، فرزند، همسر، دوستان و کسی که منزل و محل کار خود را به انسان سپرده و شرعا ورود انسان به آنجا بدون



اجازه جایز است موجب جاری شدن حد نمی شود، گرچه سارق تعزیر می شود. همچنین است اگر اجیر یا مهمان چیزی را که در اختیار او است بدزدد. (منتظری/ ۱۳۷۷ش، ۵۷۹)

روایاتی چند از پیامبر (ص) درباره ی سرقت به دست ما رسیده است که در زیر به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف) اربع لایدخل بیتا واحدة منها الا خرب و لم يعمر بالبركة: الخيانة، و السرقة، و شرب الخمر، و الزنا.

چهار موردند که داخل خانه ای نمی شوند مگر آنکه آن خانه را ویران می کنند و به هیچ برکتی آباد نخواهند شد: خیانت، دزدی، شراب خواری و زنا. (نهج الفصاحه/ ۱۳۸۵ش، ۶۸)

ب) لعن الله السارق يسرق البيضة فقطع يده و يسرق الحبل فقطع يده.  
خداوند لعنت کند دزدی را که تخم مرغی را می دزدد، پس دستش بریده می شود و طنابی را دزدی می کند پس دستش بریده می شود. (نوری/ ۱۴۰۸ق، ج ۱۸، ۱۲۰)

### ۹ - ۳ - ۲) حد المحاربة:

در کتب فقهیه در باره ی محارب و حد او سخن به میان آمده است. محارب کسی است که با عنوان ایجاد ترس و دشمنی، در هر کجا، چه شهر چه غیر شهر، خواه در سرزمین کفر باشد یا اسلام، چه شب باشد چه روز، سلاح بردارد و با لذت جویی دست بدین کار بزند. هرگاه محارب چنین کند، حد قتل بر او واجب می شود. البته اموال او گرفته نمی شود. ولی به هر حال کشته می شود و حتی اگر شاکی او را ببخشد ولی بر امام (ع) واجب است او را بکشد زیرا او محارب است. (طوسی/ بی تا، ۷۲۰)

سید مرتضی (ره) معتقد است: فرقه ی امامیه به تنهایی معتقد است که هر کس با امام عادل وارد جنگ و مخالفت شود و از التزام به فرامین او خارج گردد در حکم محارب با پیامبر اکرم (ص) خواهد بود. (علم الهدی/ ۱۴۱۵ق، ۴۷۶)

از جمله افرادی که محارب محسوب می شود دزد است. اگر دزد وارد خانه ی کسی شود بر انسان رواست که با او مقابله کند و شر او را از خود دور کند. اگر این مقابله منجر به مرگ دزد گردد، قاتل متحمل دیه و مجازات نمی شود زیرا خون دزد هدر است. (طوسی/ بی تا، ۷۲۱)

امام خمینی می نویسد:

محارب به کسی گویند که اسلحه خود را بمنظور تهدید و ترساندن مردم از غلاف در آورد و یا آن را مجهز سازد و قصد افساد در زمین را داشته باشد، چه در خشکی و چه در دریا، چه در شهر و چه در روستا، چه در شب و چه در روز، و با تحقق این شرایط حکم محارب جاری می شود و در تحققش این قید معتبر نیست که اهل ریه نیز باشد؛ یعنی سابقه شرارت داشته باشد، و نیز در تحقق آن فرقی بین مرد و زن نیست. (امام خمینی / ۱۳۹۰ ق، ج ۲، ۴۹۲)

عن ابي عبد الله (ع) قال: قدم على رسول الله قوم من بنى ضبة مرضى فقال لهم رسول الله (ص): اقيموا عندى فاذا برتتم بعثتكم فى سرية، فقالوا: اخرجنا من المدينة فبعث بهم إلى ابل الصدقة يشربون من ابوالها و يأكلون من ابلانها فلما برئوا واشتدوا قتلوا ثلاثة ممن كانوا فى ابل فبلغ رسول الله (ص) فبعث إليهم عليا (ع) فهم فى واد قد تحيروا ليس يقدر ان يخرجوا منه قريبا من ارض اليمن فأسرهم و جاء بهم إلى رسول الله (ص) فنزلت هذه الآية عليه [انما جزاء الذين يحاربون الله ورسوله ويسعون فى الارض فسادا ان يقتلوا أو يصلبوا أو تقطع أيديهم وأرجلهم من خلاف أو ينفوا من الارض] (مائدة/۳۳) فاختر رسول الله (ص) القطع فقطع أيديهم و أرجلهم من خلاف. از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: عده ای از قبیله ی بنی مرضیه مریض شدند رسول خدا (ص) به ایشان فرمود: نزد من بمانید تا بهبودی حاصل نمایید، آنگاه شما را به روستایتان خواهم فرستاد. گفتند: آنها را از مدینه بیرون بردیم و آنها را نزدیک شتران صدقه جای دادیم تا از بول و شیرشان بنوشند تا خوب شدند. آنها نمکدان شکنی کرده و سه نفر از شتربانان را به قتل رساندند. این خبر به پیامبر (ص) رسید پس حضرت علی (ع) را به سوی آنها روانه فرمود، آنها در سرزمینی نزد یمن زمین گیر شده و با دین امیر المؤمنین (ع) توان فرار نداشتند، حضرت آنها را دستگیر فرمود و آنها را نزد پیامبر (ص) آورد. این آیه نازل شد: [کیفر آنها که با خدا و پیامبرش به جنگ بر می خیزند و اقدام به فساد بر روی زمین می کنند، فقط این است که اعدام شوند، یا به دار آویخته گردند، یا دست راست و پای چپ آنها بر عکس بریده می شود و یا از سرزمین خود تبعید کردند. این رسوایی آنها در دنیاست و در آخرت مجازات عظیمی دارند] بدین واسطه پیامبر (ص) قطع را انتخاب نمود، سپس دست و پای آنها را بر خلاف (بر عکس) قطع فرمود. (کلینی / ۱۳۸۸ ق، ج ۷، ۲۴۵)

در تفسیر المیزان ذیل آیه ی ۳۳ سوره ی مائده آمده است: از امام رضا (ع) روایت شده است که شخصی از آن جناب از قول خدای عزوجل پرسید که فرموده: [انما جزاء الذين يحاربون

الله و رسوله و یسعون فی الارض فساد ان یقتلوا ...] که آن چه عملی است که هر کس مرتکب شود مستوجب یکی از چهار مجازات می گردد؟ امام فرمود: اینکه با خدا و رسولش محاربه کند و در گستردن فساد در زمین بکوشد و مثلاً کسی را به قتل برساند که به همان جرم کشته می شود و اگر هم بکشد و هم مالی را بر باید هم کشته و هم به دار آویخته می شود، و اگر مال را بدزدد ولی کسی را نکشد تنها دست و پایش بطور خلاف قطع می گردد. و اگر شمشیر بکشد و به محاربه خدا و رسولش برخیزد و فساد را هم در زمین بگستراند ولی نه کسی را بکشد و نه مالی را بدزدد، از آن شهر تبعید می شود؛ عرضه داشتیم: چگونه تبعید می شود؟ و حد و اندازه ی تبعید چیست؟ فرمود: از آن شهری که در آن شهر دست به چنین کارهایی زده به شهری دیگر تبعید می شود؛ حاکم به اهل آن شهر می نویسد که این شخص به جرم فساد انگیزی از فلان شهر بدین جا تبعید شده با او مجالست و معامله نکنید و به او زن ندهید و با او هم سفره نشوید و در نوشیدنیها با او شرکت مکنید، اینکار را به مدت یکسال با او می کنند اگر در بین سال خودش از آن شهر به شهری دیگر رفت باز حاکم به اهل آن شهر همین سفارش ها را می نویسد تا یک سالش تمام شود. پرسیدم: اگر به طرف سرزمین شرک حرکت کرد تا در آن جا سکونت کند چطور؟ اگر چنین کرد باید مسلمانان با اهل آن شهر قتال کنند. (طباطبایی / ۱۳۶۳ ش، ج ۵، ۵۴۰)

### ۳ - نتایج:

آنچه مسلم است پیامبر بزرگوار اسلام (ص) با سعی و جدیت غیر قابل وصفی در تبیین احکام شرعی همت گماشت و در عصر خود نیاز زمانه را مرتفع ساخت و آن روایات با ارزش چراغ راه آیندگان تا زمان ما گردید. اما متأسفانه فاصله ی زمانی ما تا عصر حضور ایشان باعث گردید بعضی از روایات به دست ما نرسد و یا مورد تحریف واقع شده و به گونه های دیگری گزارش شده است. لذا بجاست تا محققین با دقت فراوان روایات سره از ناسره را بیابند و آنچه محققاً و مسلماً از لسان مبارک حضرت ایشان وارد گردیده به مسلمانان انتقال یابد. همچنین مشاهده می شود در مسیر اجراء احکام قانونی در برخورد با مجرمین و مجازات بازدارنده در مورد آنها از سوی بعضی مسامحه صورت می پذیرد که بجاست تا تجدید نظر صورت گرفته و بر اساس سنت نبوی حرکت گردد. به نظر می رسد همین سهل انگاری ها باعث گردید تا عده ای سودجو و منحرف از دین سوء استفاده کرده و به اعمال منافی با عفت عمومی دست بزنند. هدف نگارنده از تدوین این

گزارش پژوهشی آن است که خواننده بداند چرا اعمال بازدارنده برای اعمال منافی عفت وضع گردید و چرا پیامبر (ص) و سایر سران اسلامی به مجازات مرتکبین می پرداختند. همچنین مجرای وضع قوانین مجازات اسلامی نیز معین گردد، زیرا مشاهده می شود که بعضی از متدینین نیز می پرسند این گونه مجازات ها از کجا نشأت گرفته و به چه دلیل قانون گذاری شده است.

عده ای از معاندان و کسانی که می خواهند به هر شکل ممکن چهره ی پیامبر اکرم (ص) و مسلمانان را خشن و به دور از محسنات انسانی نشان دهند سعی کرده و می کنند تا با تبلیغات دروغین و نوشته های کذب به مخدوش ساختن سیمای بشردوستانه و خیرخواهانه پیامبر اکرم (ص) بپردازند. اما ما مسلمانان با تالیف و تحقیق در سیره ی آن انسان والا مقام این تلاشهای بیهوده را نقش بر آب می سازیم. با دقت در این روایات در می یابیم که ایشان روش دقیقی را در ایجاد جامعه ای آرام و به دور از پلیدی در پیش گرفتند.

ایشان در ابتداء مضرات هر گناه و فسق را بیان می فرمود و راههای دور شدن از آنها را گوشزد می نمودند، سپس مجازات مرتکبین را انشاء می کردند.

در بسیاری موارد می بینیم ایشان عجله ای برای مجازات به خرج نداده و سعی می فرمودند آن خطیئه و گناه پوشیده بماند و کسی از آنها مطلع نشود؛ زیرا معتقد بودند هر چه گناه پوشیده تر باشد تمایل بدان و زشتی آن کمتر جلوه گر می شود. لذا سعی کردند هر که به گناهی اقرار نمود، منصرف شود؛ لذا شرایط سختی بر احراز گناه معین فرمودند.

در تمامی موارد ذکر شده پیامبر (ص) خود به تعیین مجازات اقدام فرمودند بلکه تمامی آنها از جانب خداوند معین شده بود تا بدین ترتیب هیچ گونه اعتراضی متوجه آن حضرت نشده و کسی توان مقابله با آنها را نداشته باشد.

آخر دعوانا الحمد لله رب العالمین

### منابع و مأخذ:

- ۱- قرآن مجید / ترجمه ی ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۷۳ش، چاپ اول، قم، دارالقرآن الکریم، ۶۰۴ صفحه.
- ۲- حسینی روحانی، سید محمد صادق / فقه الصادق، ۱۴۱۲ق، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۲۶ جلد.
- ۳- حر العالی، محمد بن حسن / تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشرعیة، ۱۴۱۴ق، قم، آل البیت، ۳۰ جلد.

- ۴- زیدان، جرجی / تاریخ تمدن اسلام، مترجم علی جواهر کلام، ۱۳۷۹ش، چاپ نهم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۱۰۸ صفحه.
- ۵- طباطبایی، سید محمدحسین / ترجمه تفسیر المیزان، مترجم سید محمدباقر موسوی همدانی، ۱۳۶۳ش، قم، جامعه ی مدرسین، ۲۰ جلد.
- ۶- صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، محقق علی اکبر غفاری، ۱۴۰۴ ق، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین، چهار جلد.
- ۷- طوسی، محمد بن حسن / استبصار فیما اختلف من الاخبار، محقق سید حسن موسوی خراسانی، ۱۳۹۰ق، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۴ جلد.
- ۸- / تهذیب الاحکام، محقق سید حسن موسوی خراسانی، ۱۳۶۵ش، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۰ جلد.
- ۹- / النهایه فی المجرّد الفقه و الفتاوی، بی تا، قم، انتشارات قدس، محمدی، ۷۸۲ صفحه.
- ۱۰- علامه حلّی، حسن بن یوسف / مختلف الشیعه، محقق مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۲ق، چاپ اول، قم، نشر اسلامی، ۹ جلد.
- ۱۱- / تبصره المتعلمین فی احکام الدین، محقق سید احمد حسینی و هادی یوسفی، ۱۳۶۸ش، تهران، انتشارات فقیه، ۲۷۵ صفحه.
- ۱۲- علم الهدی، سید مرتضی / رسائل المرتضی، ۱۴۰۵ق، قم، انتشاراتی سید الشهداء (ع)، ۴ جلد.
- ۱۳- / الانتصار، ۱۴۱۵ق، نشر اسلامی، ۶۰۰ صفحه.
- ۱۴- فتح الله، احمد / معجم الفاظ الفقه الجعفری، ۱۴۱۵ق، چاپ اول، بی جا، نشر دمام، ۴۶۵ صفحه.
- ۱۵- فخرالمحققین، ابوطالب محمد بن حسن / ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد، تحقیق سید حسین موسوی - علی پناه اشتهااردی - عبدالرحیم بروجردی، ۱۳۸۹ق، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۴ جلد.
- ۱۶- فرهنگ مصطلحات فقهی / موجود در کتابخانه دیجیتال المعجم ۳، نسخه سوم، قم، ۱۴۲۱ق.
- ۱۷- فیض الکاشانی، محسن / الصافی فی تفسیر کلام الله، بی تا، چاپ اول، مشهد، دارالمرتضی للنشر، ۵ جلد.
- ۱۸- قانون مجازات اسلامی / معاونت پژوهش - تدوین - تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، زمستان ۱۳۸۲، موجود در سایت [www.iranbar.com](http://www.iranbar.com)، تاریخ به روز رسانی ۱۳۸۲/۹/۱۵.
- ۱۹- القمی، علی بن محمد / جامع الخلاف و الوفاق بین الامامیه و بین ائمه الحجاز و العراق، تحقیق حسین حسینی بیرجندی، ۱۳۷۹ش، چاپ اول، قم، پاسدار اسلام، ۶۲۶ صفحه.

- ۲۰- کلینی، محمد بن یعقوب / اصول کافی، محقق علی اکبر غفاری، ۱۳۸۸ق، چاپ پنجم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۸ جلد.
- ۲۱- شیخ مفید، ابو عبدالله محمد بن محمد / علل الشرایع، ۱۳۸۶ق، نجف الاشرف، چاپخانه حیدریه، ۲ جلد.
- ۲۲- موحّد ابطحی، سید محمد علی / مسائل از فقه شیعه، ۱۳۷۷ش، چاپ اول، قم، نشر نگارش، ۵۱۵ صفحه.
- ۲۳- منتظری، حسین علی / رساله توضیح المسائل، ۱۳۷۷ش، چاپ شانزدهم، قم، نشر تفکر، ۶۳۲ صفحه.
- ۲۴- امام موسوی خمینی، سید روح الله / تحریر الوسیله، ۱۳۹۰ق، چاپ اول، نجف الاشرف، نشر ادب، ۲ جلد.
- ۲۵- موسوی خویی، سید ابوالقاسم / توضیح المسائل، ۱۴۱۲ق، قم، نشر مهر، ۵۶۸ صفحه.
- ۲۶- مجلسی، محمد باقر / بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، ۱۴۰۳ق، بیروت، مؤسسه ی الوفاء، ۱۱۰ جلد.
- ۲۷- نوری طبرسی، میرزا حسین / مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مقدمه عباس آل کاشف الغطاء، ۱۴۹۸ق، چاپ اول، قم، آل البيت، ۱۸ جلد.
- ۲۸- مترجم علی کرمی فریدونی، نهج الفصاحه / ۱۳۸۴ش، چاپ اول، قم، نشر حلم، ۸۰۸ صفحه.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

